

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا
۱۵ می ۲۰۲۳



داکتر محمد کریم فارغی

[دسته گلی به پیشواز روز مادر]

من مخالف تبعیض جنسیتی هستم، زن و مرد هر دو انسان هستند و جنسیت امتیاز نه بلکه یک رول یا نقش است که در مورد خاص به خاطر تقسیم وظایف شان ارزش می یابد. مرد ویا زن بودن یک نوع استعداد و شایستگی است که همه آن را یکسان ندارند. صرف نظر از آنچه به تفاوت های اناتومیک آنها متعلق می گردد، زن و مرد مجموع مهارت ها و استعداد هائی اند که در اجرای رول آنها متبازل می گردد و در بهترین حالت غایت و هدف زندگی را تعیین می کند.

با همه آنچه گفته آمد، وقتی زن مادر می گردد صفات ملکوتی به خود می گیرد و به الهه ای مبدل می گردد. این استعداد در بیشتر زن ها وجود دارد در حالی که کمتر مردان استعداد الهه شدن را دارند. اکثر مردان وقتی پدر هم می گردند، خود خواهی و برتر دانستن خود را کماکان حفظ می کنند که این نوع اندیشه و سلوک آنها در زندگی خانواده از نقش مرکزی شان می کاهد.

در جوامع عقب مانده و فئودالی مردان با کتمان و حتی انکار نقش فداکارانه زن و مادر، ایجاد ترس و رعب در دیگران و اتخاذ رول تأمین کننده مخارج زندگی، خود شان را به طور ماهرانه قهرمان زندگی معرفی نموده اند. حتی مردان روشنفکر و تحصیل یافته نیز در رابطه به سرکوب نقش زنده و فعال زن ها و مادران و برجسته ساختن خود شان در انظار اعضای خانواده و جامعه، روش های مشابه را تبارز داده اند.

اگر به صد سال گذشته زندگی اجتماعی کشور خود نظر بیندازیم، به خصوص در زمان قبل از مد و جذر های اجتماعی و ایجاد کودتا ها، اکثر روشنفکران که تحصیل یافته های غرب نیز بودند و در موقف های بلند حکومتی تکیه زده بودند، کمتر فرصتی برای تبارز رول اجتماعی زن هایشان و سهم گرفتن آنها در اقتصاد خانواده و خود کفائی مادی شان داده بودند. آنها با عدم مراعات نورم های کنترل خانواده، خانم های شان را به ماشین چوچه کشی مبدل نموده بودند که ازین طریق به آنها رول کاذب حفاظت از خانواده را داده بودند و خود به طور آزاد در داخل و خارج کشور به تحصیل

و سیاحت می پرداختند. هر قدر کوشش کردم صاحب مقام و حتی داکتر ها را در دهه های شصت و هفتاد در ذهن خود مجسم کنم که تعداد فرزندانشان از هشت و نه کمتر باشد، قادر نگردیدم .

جفا به زن ها و مادران نه تنها با روش های پرخاشگرانه چنانچه در چند دهه اخیر و حالا صورت می گیرد، عملی گردیده است بلکه در شرایط صلح آمیز اجتماعی نیز با طرق نرم و اغفال آمیز صورت پذیرفته است. بیشتر دیدگاه های مردان چه تحصیل یافته و روشنفکر و چه بیسواد و ذهنی گرا نسبت به حدود آزادی ها و حقوق زن در جامعه ما، از محور تأمین حواجی مادی زن ها آنها نه توسط خود شان بلکه به وسیله مردان شان بیرون نهیده است. دیدگاه ستراتیژیک به حیات خانوادگی و اجتماعی زن ها و مادران جوان ما مستلزم احترام و تقویت اراده آنها در سهم گرفتن در فعالیت های اجتماعی، تحصیلات عالی و خود کفائی اقتصادی آنها است .

به امید تأمین تساوی جنسیتی در کشور و نقش فعال و داوطلبانه نه اجباری زن ها در زندگی خانواده و جامعه افغانی....